

کابرد روانشناسی در آموزش و پرورش قبل از دبستان

از: دکتر سیمین رجالی

افلاطون دانشمند بزرگ یونان برای اولین بار در حدود چهارصد سال قبل از میلاد اظاهر نظر کرده است که کودکان دارای استعداد های متفاوتی هستند و تربیت هر کودک باید با توجه به میزان استعدادی که وی دارد انجام شود. پس از افلاطون تا اواخر قرن نوزدهم نیز در خلال آثار نویسندگان و متفکران مختلف دنیا از جمله «ژان ژاک روسو» و «پستالوتسی» به تعدادی بسیار اندک نظراتی کم و بیش صحیح راجع به کودک برمیخوریم و حتی در بین آداب و رسوم بعضی از جوامع انسانی نکات قابل توجهی می یابیم مثلاً در دوران سلاطین مغول، اشراف مسلمان هند آموزش کودکان خود را همراه با تشریفات مخصوص درهنگامی آغاز میکردند که ۳ سال و ۳ ماه و ۳ روز از سن آنان گذشته بود.

اما با وجود آنچه که گفته شد بدون تردید روانشناسی علمی جدید پایه و اساس آموزش و پرورش قبل از دبستان را به مفهومی که ما اکنون بکار میبریم تشکیل میدهد و بجزرات میتوان گفت که اگر تحقیقات روانشناسان راجع به خصوصیات روانی کودکان انجام نشده بود هرگز موضوعی بنام آموزش و پرورش قبل از دبستان بوجود نمیآمد.

پیش از آنکه تحقیقات مزبور انجام شود تقریباً همه مردم حتی علمای مشهور آموزش و پرورش عقیده داشتند که نقش آموزش عمدی از دبستان آغاز میگردد و تنها وظیفه ای را که برای کودکان قبل از دبستان حس میکردند تأمین نیازهای فیزیولوژیکی آنان و محافظتشان در مقابل حوادث و بیماریها بود. بهمین جهت از قدیم الایام به دایه ها و وظایفی جز آنچه که ذکر شد محول نمیکردید.

در اوائل قرن نوزدهم میلادی فرویل آلمانی اولین کودکستان را تأسیس کرد تا اینکه کودکان را بتدریج برای دبستان آماده سازد و از اینکه آنان بطور ناگهانی با مقررات دبستان روبرو شوند جلوگیری نماید متعاقب آن در قرن نوزدهم و قرن بیستم در کشورهای مختلف زودتر یا دیرتر به تأسیس کودکستانها یا مهدهای کودک مبادرت گردید و هنگامیکه هدف و وظایف این قبیل مؤسسات را مرور میکنیم باین نتیجه میرسیم که تقریباً همه آنها برای خود هدف و وظیفه ای جز نگهداری از کودکان (مخصوصاً کودکان بی سرپرست) نمیشناختند و اگر احیاناً کودکی با داشتن سرپرست باین قبیل مؤسسات سپرده میشد مسلماً

نظر سرپرست وی این بود که آسایش بیشتری برای خود تأمین نماید .
اشتغال روزافزون زنان در فعالیتهای اجتماعی هر چند عامل مؤثری برای افزایش تعداد
کودکستانها و مهدهای کودک در همه نقاط دنیا بشمار می‌رود ولی در تغییر طرز تفکر
مذکور تأثیر زیادی نداشته است .

اسا در نتیجه تحقیقات روانشناسان بود که یکی از مهمترین شعب روانشناسی بنام
«روانشناسی کودک» بوجود آمد . و تحقیقات پی‌گیر و دامنه‌دار روانشناسان در این زمینه
بتدریج بنای کهن فکری سزور را متزلزل ساخت و نتایج تحقیقات روانشناسان در آموزش و
پرورش کم‌وبیش بکار رفت .

«پریر» که او را «پدر روانشناسی کودک» نامیده‌اند در اواخر قرن نوزدهم با مطالعه
دروغ کودک کتابی تحت عنوان «فکر کودک» منتشر ساخت که توجه دانشمندان روانشناسی
را بخود جلب کرد و پس از وی «ستانلی هال» آمریکائی با ابراز نظریات خود لقب «پدر جنب و جوش
کودکان» را کسب کرد . او پیشنهاد کرده بود که کودکان برحسب خصوصیات از قبیل
تیزهوشی ، کند هوشی ، سازگاری ، ناسازگاری ، و نظایر آن طبقه‌بندی شوند و هر طبقه در
مؤسسه‌ای مخصوص تحت آموزش قرار گیرند .

در قرن بیستم رشته روانشناسی کودک و روانشناسی رشد پیش از حد انتظار توسعه و
پیشرفت پیدا کرد و تردیدی باقی نماند که هر طفل مجموعه‌ای از استعداد های نهفته و بالقوه
بشمار می‌رود و تجارب سالهای اولیه هر کودک در چگونگی تشکیل شخصیت و کمال‌نهایی
وی بی‌نهایت مؤثر می‌باشد و این مسأله مورد تأیید تمام مکاتب روانشناسی قرار گرفت .

«پیاژه» که باید او را یکی از بزرگترین روانشناسان کودک در عصر حاضر دانست
بر اساس تحقیقات همه جانبه خود اظهار نظر نموده است که توالی رشد خصوصیات روانی افراد
عیناً مانند بسیاری از جنبه‌های رشد بدنی طی سراحلی کاملاً منطقی و منظم انجام می‌گیرد و
همه مردم صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که از نظر پیشرفت و سرتبه نهائی خواهند داشت ، سراحلی
نظیر یکدیگر را می‌پیمایند .

روانشناسان نشان داده‌اند که تقریباً نصف تأثیر کلی مدرسه بر رشد استعدادهای
کودکان تا رسیدن آنان به سن ۹ سالگی انجام می‌پذیرد . در حدود ۱۷ درصد از این تأثیر
بین سنین ۴ و ۶ سالگی و ۱۷ درصد بین سنین ۶ و ۹ می‌باشد .

اندازه‌گیری هوش کودک تا ۱۷ سالگی نشان می‌دهد که از رشد روانی وی در حدود
۵۰ درصد در فاصله زایمان تا چهار سالگی ، در حدود ۳۰ درصد بین ۴ تا ۸ سالگی و فقط
۲۰ درصد بین ۸ تا ۱۷ سالگی انجام می‌گیرد و همچنین آزمایش‌هایی که برای سنجش هوش
کودکان در دبستانها بعمل آمده است نشان می‌دهد که میانگین بهره هوشی کودکانیکه
قبل از دوره دبستان در کودکستانها تحت تعلیم بوده‌اند بر مراتب پیش از کودگانی است که
بسیاراً به دبستان آمده‌اند و فاصله موجود میان میزان هوش دو دسته سزور نیز در تمام
مدت تحصیل و عمر محفوظ می‌ماند .

تحقیقات «هانت» نیز در مورد رشد روانی نوزادان در شرایط محیطی متفاوت نیز گویای این نکته است که «شرایط محیطی مساعد در تسریع رشد روانی و رفتاری کودکان مؤثر است» هانت قسمتی از تحقیقات خود را در این زمینه در یکی از شیرخوارگاههای جمعیت خیریه فرج پهلوی در ایران انجام داد .

تحقیقات «کلاین برگ و گزل» در مورد تفاوت هوش سیاه پوستان و سفیدپوستان و رشد کودکان نیز گویای این نکته است که شرایط محیطی مساعد در سالهای اول زندگی در هوش کودکان مؤثر است .

از نظر واژمشناسی ۵۰ درصد تمام لغاتی را که کودک تا سن ۱۸ سالگی میآسوزد کلماتی است که تا ۸ سالگی آنها را آموخته بوده است .

روانشناسان ثابت کردهاند که طرزتلفظی کودکان در مورد بسیاری از مسائل و عوامل محیطی از جمله در مورد افراد بشر از نظر نژاد و رنگ تاسن ۸ سالگی تثبیت میشود . این حقیقت مؤید این نظر قدیمی فرقه یسوعی است که میگوید : « یک طفل را تا سن ۷ سالگی بمن بسپارید و من بانچه که شما بعداً انجام خواهید داد اهمیت نمیدهم . »

روانشناسان اتفاق نظر دارند که دوران طفولیت در حال کوتاه شدن است. دورانهای نوزادی و بلوغ دوران طفولیت را در خود فرو میبرند و با این ترتیب بلوغ فیزیکی در هرده سال بمدت ۴ ماه زودتر حادث میشود این اسربان معنی است که بزرگترین جهش عقلانی انسان که در طول ۶ ماه قبل از بلوغ فیزیکی رخ میدهد در سنینی پائینتر و پائینتر وقوع می یابد . و بطور خلاصه نتایج حاصل از تمام تحقیقات روانشناسان این است که کودکستان و مهد کودک نباید فقط برای محافظت از کودکان و تأمین نیازهای اولیه آنان تأسیس گردد بلکه وجود این مؤسسات از نظر آموزشی برای اطفال بی نهایت ضرورت دارد و بایستی در آنها با استفاده از اصول و قوانین روانشناسی به آموزش و پرورش ، کشف ، توسعه و پرورش استعدادهای گوناگون کودکان مبادرت کرد .

بدین ترتیب آموزش و پرورش قبل از دبستان در قرن بیستم بتدریج مورد توجه بسیار قرار گرفت و در سالهای اخیر تحقیقات و بررسیهای عمیقی توسط روانشناسان مشهور راجع به اهمیت این دوره بعمل آمده، براساس این تحقیقات ضرورت و اهمیت آموزش قبل از دبستان روشن و مشخص شد و ثابت گردید که بنیان شخصیت هر فرد در این دوره پایه گذاری میشود (رجوع شود به تمام تحقیقات روانشناسان رفتاری و همچنین پیروان فروید و روانکاوان) .

از خصوصیات آموزش و پرورش قبل از دبستان این است که برای تحریک ، کشف و پرورش استعدادهای نهفته کودکان و تقویت نیروی ابتکار و قدرت خلاصه آنان از بازی، موسیقی ، نقاشی و کاردستی استفاده مینمایند و این امر نیز مبتنی بر اصول روانشناسی است زیرا روانشناسی ثابت کرده است که بازی کودک را بشدت تعنت تأثیر قرار میدهد و زبان زندگی پراز احساس وی بشمار میرود و مهمترین روشی است که وی بوسیله آن میتواند ارتباط تصورات خود را بطور مداوم به واقعیات زندگی نزدیک سازد .

بازی وسیله ایست که کودک با آن به کشف محیط و تجربه اندوزی می پردازد و با آن یاد میگیرد که چگونه یاد بگیرد و چگونه خود را با دنیای خارج انطباق دهد. در نتیجه در مورد انواع بازی و اسباب بازی مطالعات جالبی توسط روانشناسان و سربیان انجام گرفته است که در کود کستانها مورد استفاده قرار می گیرد.

متعاقب حصول این نتایج نهضت عظیمی در کشورهای پیشرفته جهت آموزش و پرورش کودکانیکه هنوز در سنین رفتن بدبستان نیستند و تربیت سربیان این گروه سنی بوجود آمد و ایجاد کود کستانها و مهدهای کودک و کالجهای تربیت سربی و سراز تربیتی مخصوص دیگر برای تربیت اطفال بنحوقابل ملاحظه ای افزایش یافت و سازمان جهانی آموزش و پرورش قبل از دبستان O.M.E.P. حدود ۲ سال پیش بوجود آمد بطوریکه در حال حاضر بطور مثال در بلژیک که از نظر آموزش در این زمینه پیشرو سایر نقاط جهان بحساب می آید، عملاً ۱۰ درصد کودکان پنجساله به دبستان و ۸۵ درصد کودکان چهارساله به کود کستان میروند. در فرانسه تقریباً ۹۰ درصد اطفال ۵ ساله و در حدود ۹۵ درصد اطفال ۴ ساله بهر حال در نوعی آموزشگاه مخصوص کود کان آموزش می بینند.

در انگلستان صد درصد کود کان ۵ ساله و اکثریت کود کان ۴ ساله تحت آموزش قرار دارند.

روسیه نیز در این زمینه جهش بزرگی داشته و در بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰ ظرفیت پذیرش کود کان ۳ تا ۷ ساله را در مدارس مخصوص دو برابر ساخته است.

ایالات متحده آمریکا نیز حتی قبل از بسیاری از کشورهای اروپائی با اهمیت آموزش و پرورش قبل از دبستان پی برد و مرحله اجرا در آورد و مخصوصاً در این کشور نیز حداقل یک تا دو سال تعلیم در کود کستان قبل از ورود بدبستان برای کود کان اجباری و مجانی است و همه کود کان حداقل یک سال از این آموزش بهره مند میشوند.

در آلمان غربی میزان این بهره مندی هنوز برای حدود ۵۰ درصد کود کان است که بمدت یک یا دو سال از آموزش کود کستان بهره مند میشوند اما شورای آموزش و پرورش آلمان فدرال در سال ۱۹۶۵ تربیت در کود کستان را اساس آموزش اعلام کرد و در حال حاضر حدود ۷۵ درصد کود کستانها کلیه کلاسهای بهداشتی و رفاهی را مجاناً دریافت میدارند و ۲۵ درصد هزینه کود کستانهای خصوصی از محل شهریه تأمین میشود و بقیه بودجه را وزارت آموزش و پرورش تأمین می کند و باین ترتیب تمام کشورهای پیشرفته کوشش نموده اند که نتایج تحقیقات روانشناسان را در آموزش و پرورش قبل از دبستان بکار ببرند و برای رسیدن باین منظور معلمین و مربیانی برای دوره قبل از دبستان در سطح فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا تربیت می کنند تا در مهدهای کودک و کود کستانها و دانشسراهای تربیت سربی کودک شاغل باشند و بتدریج تمام کود کان را از آموزش قبل از دبستان بهره مند سازند.

در کشور ما ایران نیز به این امر مهم مخصوصاً در دوره انقلاب توجه خاص شده است

و نقطه عظیمی که در تاریخ آموزش و پرورش قبل از دبستان در ایران بچشم می خورد فرمایشات شاهنشاه آریامهر در اولین کنگره انقلاب آموزشی رانسر می باشد. شاهنشاه در این کنگره هنگامی که لزوم دگرگونی بنیادی در وضع آموزش و پرورش را تاکید می فرمودند اشاره فرمودند که دگرگونی آموزشی بایستی از سالهای اول عمر و کودکی شروع و تا پایان دانشگاه ادامه داشته باشد.

پس از آن بتدریج آموزشگاه کودکانی جمعیت خیریه فرح پهلوی برای تربیت پرستار و متخصص کودکان در سطح دیپلمه فنی ایجاد شد و در برنامه پنجم نیز دولت به آموزش و پرورش قبل از دبستان توجه کرد و در سال ۲۰۳۲ در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی دوره های لیسانس و فوق لیسانس آموزش و پرورش قبل از دبستان (مدرسه عالی شمیران) و در وزارت آموزش و پرورش دوره های کوتاه مدت تربیت مربی کودکان برای تدریس در دوره کودکان بوجود آمد و بالاخره آموزش کودکانی جزوی از آموزش عمومی شد که بتدریج در برنامه های آینده باید عمل شود.

در حال حاضر اساس خلاصه آمار آموزش و پرورش ایران در سال تحصیلی ۵۴-۵۳ جمعاً ۹۸۱ کودکان کشور که ۴۴۸ باب آن غیردولتی و ۵۳۳ باب آن دولتی بوده اند در تمام کشور دایر بوده است که در تمام آنها ۸۸۸۵۴ کودک شامل ۴۸۲۸۰ پسر و ۴۰۵۷۴ دختر آموزش می دیده اند. جمع مربیان دولتی و غیردولتی در تمام کودکانهای مزبور ۱۹۹۶ نفر بوده است و مسلماً تعجب خواهید کرد که بدانید از بین تمام این مربیان فقط ۲ نفر لیسانسیه و ۱۱ نفر فوق دیپلم بوده اند و بقیه آنان تحصیلاتی از ششم ابتدائی سابق تا دیپلم داشته اند و هرگاه تعداد اطفال کودکانی در سال تحصیلی مزبور فقط با تعداد اطفال ۵ ساله کشور در سال ۲۰۳۳ که طبق اعلام مرکز آمار ایران ۱/۰۶۶/۸۸۰ نفر بوده است، مقایسه شود آنوقت درسی یابیم که چه کوشش عظیمی باید بعمل آوریم تا همه کودکان کشور از آموزش قبل از دبستان برخوردار شوند و در این راه حتماً باید توجه دولت بیش از پیش باین امر مهم معطوف گردد.

در خاتمه بی مناسبت نیست که بگفته یکی از علمای روانشناس استاد جویم که گفته است «کودک را باید پدر بشریت دانست» یعنی همانطور که پدر بسیاری از خصوصیات خود را به فرزندانش انتقال میدهد کودک هم خصوصیات خود را ابتداء به بزرگسالی خود و سپس به فرزندانش یعنی نسل آینده و مالا به بشریت منتقل میسازد و از این جهت هرگاه قبول کنیم که مهم ترین هدف آموزش و پرورش آماده ساختن فرد برای زندگی اجتماعی است و بخواهیم افراد اجتماع فردا و بعبارت دیگر بشر آینده را اصلاح نمائیم روانشناسی بما میگوید که باید آموزش و پرورش برای هر فرد از دورانی خیلی زود و زودتر از آنچه که تصور میشود یعنی از روز تولد آغاز گردد.

آنچه در بالا مطالعه کردید، خلاصه بی از سخنرانی خانم دکتر رجالی، استاد روانشناسی دانشگاه ملی ایران و رئیس مدرسه عالی شمیران، در کلاس آموزش خانواده بود.